

Original Article

The Share of Virtual Space in the Evolutions of Electronic Governance with an Emphasis on the Guaranteeing of the Citizenship Rights

Firoozeh Ahmadi¹, Ali Mashhadi^{2,3*}, Faramarz Atrian⁴

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Law, Qom University, Qom, Iran. Email: droitenviro@gmail.com

4. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 9 Jan 2019 Accepted: 12 Aug 2020

Abstract

Background and Objective: The Amazing Progresses in the Information Technology During the Late Twentieth Century and Early 21st Century Were Accompanied by Countless Metamorphoses in the Various Areas of the Mankind's Life. The Growth and Perfection of Information and Communication Technologies and Increase in Enjoying the Cyber (Virtual) Space That is the Product of the Information and Communication Technologies Followed by the Individuals and Communities' Maximum Ease in Access to These Modern World's Accomplishments Practically Caused Evolution in Our Approach Towards the Governance From a Traditional Concept to a Modern Concept in the Global Arena.

Findings: The Present Study is a Theoretical Research Conducted Based on a Descriptive-Analytical Method. Library Research Through Referring to the Documents, Books and Articles Has Been the Information Gathering Method.

Study Method: This World Which is Called Information Technology Or, Beyond That, Cyberspace, Influenced the Traditional Concept of the Government. In Line With This, Besides Keeping on its Survival Using the Traditional Methods, the Modern Electronic Governor Should Keep Himself Immune of the Abuse in This New Space. In Other Words, the Virtual Space Has Played a Role as the Main Actor in the Evolutions of the Electronic Government. The New Challenges of the Electronic Government Stem From the Conceptual Evolution and This Institution's Impression by the Virtual Space and Digitalization.

Ethical Considerations: Meanwhile Observing the Text's Originality, Honesty and Trustworthiness Have Been Also Observed in the Whole Course of the Present Study's Authoring Stages.

Conclusion: Besides Keeping Itself Up-to-Date and Using Novel Technologies in the Governance Domain, Government Should tie the Traditional Discourse of This Concept to a New Discourse Thereof and Take Advantage of Modern Tools in the Best Possible Way For The Actualization of the Citizens' Rights and Lawfulness. Although the Extant Challenges Have Entangled the Government and are Interfere With its Performance of the Assigned Tasks, the Reality is Facing Such an all-Inclusive and Global Space. Various Instrumental Areas Have Been Guided in Modern Democracies Towards the use of These Tools so Their Entry Should be Accepted as a Reality in the Citizens' Political Life.

Keywords: Citizenship Rights; Governance; Rule of Law; Electronic Governance

Please cite this article as: Ahmadi F, Mashhadi A, Atrian F. The Share of Virtual Space in the Evolutions of Electronic Governance With an Emphasis on the Guaranteeing of the Citizenship Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 135-150.*

سهم فضای مجازی در تحولات حکمرانی الکترونیک با تأکید بر تضمین حقوق شهروندی

فیروزه احمدی^۱، علی مشهدی^{۲*}، فرامرز عطریان^۴

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسؤول).

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران، ایمیل: droitenviro@gmail.com

۴. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: پیشرفت خیره‌کننده فناوری اطلاعات در پایان سده بیستم در سال‌های آغازین سده بیست و یکم، دگرگونی‌های بیشماری را در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر به ارمغان آورد. رشد و تکامل «فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات» و افزایش بهره‌گیری از فضای سایبر (مجازی) که، محصول پیوند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌باشد و به دنبال آن، دسترسی هرچه آسان‌تر افراد و جوامع به این آورده‌های دنیای مدرن، در عمل سبب تحول رویکرد ما به حکمرانی از مفهوم سنتی به مفهوم مدرن، در صحنه جهانی شده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: این جهان که فناوری اطلاعات یا فراتر از آن فضای سایبر نامیده می‌شود بر مفهوم سنتی دولت مؤثر واقع شد. در این راستا حکمران مدرن الکترونیک علاوه بر بقاء خود به شیوه‌های سنتی باید خود را مصون از تعرض در این فضای جدید قرار دهد. به تعبیری، فضای مجازی به عنوان بازیگر اصلی در تحولات دولت الکترونیک ایفای نقش کرده است. چالش‌های جدید دولت الکترونیک ناشی از تحول مفهومی و تأثیرپذیری این نهاد از فضای مجازی و دیجیتالی شدن است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: دولت باید علاوه بر به روز شدن و استفاده از فناوری‌های جدید در عرصه حکمرانی گفتمان سنتی این مفهوم را به گفتمان جدید آن پیوند زده و از ابزارهای جدید به بهترین نحو در راستای تحقق حقوق شهروندان و قانون‌مداری قدم بردارد. چالش‌های موجود اگرچه برای دولت دست‌وپاگیر بوده و ایجاد مزاحمت می‌نمایند، اما واقعیت رویارویی با چنین فضای همه‌گیری و جهانی شده است. عرصه‌های مختلف ابزاری در دموکراسی‌های مدرن به استفاده از این ابزارها سوق داده شده‌اند و ورود آن را به عنوان یک واقعیت در زندگی سیاسی شهروندان باید پذیرفت.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی؛ حکمرانی؛ حکومت قانون؛ حکمرانی الکترونیک

مقدمه

یکی از تفاوت‌های بنیادین میان فضای حقوق و سیاست، «حکومت قانون» و عناصر اصلی آن است. اساساً عالم حقوق بدون حکومت قانون و عناصر آن، معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. مفهوم حکومت قانون دارای شش عنصر اساسی می‌باشد، که عناصر مزبور عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی، جزمیت حقوقی، تناسب، برابری و عدم تبعیض، شفافیت، مشارکت؛ در فضای سیاست اصولاً به واسطه هدف اصلی آن یعنی مدیریت جامعه و تأمین منافع با کمترین استفاده از قدرت، حکومت قانون و عناصر آن (نسبت به عالم حقوق) نقش بسیار کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند. در نتیجه به هر میزان که در فضای حکمرانی کمتر به «حکومت قانون» توجه شود، در فرآیند اجرایی نیز عناصر تشکیل‌دهنده حکومت قانون با چالش بیشتری مواجه می‌شوند. در فرآیند حکمرانی، حقوق شهروندی و اصول اساسی آن از جمله دموکراسی، جریان آزاد اطلاعات و احترام به حریم خصوصی پیوند بسیار نزدیکی با عناصر حکومت قانون دارند. اصل دموکراسی در بطن عنصر مشارکت، اصل جریان آزاد اطلاعات در بطن عنصر شفافیت و نهایتاً اصل احترام به حریم خصوصی در بطن عنصر دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی نهفته است. در نتیجه حکومت قانون باید در تمام شئون نظام حقوقی به ویژه حقوق شهروندی، حکمرانی و ابزارهای آن اعمال شود.

در عصر حاضر حکمرانی جلوه‌های مختلفی یافته که یکی از مهمترین حوزه‌های آن حکمرانی الکترونیک می‌باشد. بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی به این موضوع وابسته شده‌اند و الکترونیکی شدن حکمرانی جزء ناگسستنی حیات آنها به شمار می‌رود. در این بین می‌توان بیشترین سهم را به فضای مجازی داد. به باور اندیشمندان الکترونیکی شدن دولت و تأثیرپذیری این نهاد از این مهم و فضای مجازی بدون شک عامل تحول ماهیت دولت نیز بوده است. آغاز فعالیت‌های دولت و ادامه حیات این نهاد حقوقی دیگر بدون الکترونیکی شدن ممکن نیست. همچنین استفاده از معیارهای حکمرانی مطلوب نظیر شفافیت، کارآمدی و اثر بخشی نیز به مؤلفه مهم الکترونیکی شدن دولت وابسته شده است. با این دیدگاه

می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی مطلوب و معیار سنجش و مطلوبیت آن حرکت به ناچار دولت به سمت و سوی الکترونیکی شدن است. با این رویکرد نگارندگان در مقاله پیش‌رو موضوع را به صورت توصیفی تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار خواهند داد. درخصوص موضوع پیش‌رو، سابق بر این مقالاتی مرتبط به رشته تحریر درآمده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله آقای مهدی منتظر قائم در شماره ۱۹ مجله‌نامه علوم اجتماعی (۱۳۸۱) اشاره داشت. تفاوت نوشته پیش‌رو با مقاله یادشده در این است که در این مقاله نگارنده با تأکید بر حکمرانی الکترونیک به موضوع اشاره داشته است، اما نویسنده مذکور مقاله‌اش را بر اساس بایسته‌های دولت الکترونیک به رشته تحریر درآورده است. همچنین تفاوت دیدگاه‌های حقوقی و جامعه‌شناختی وجه اصلی و بنیادین تفاوت دو نوشته است.

۱- فضای مجازی

همانند برخی دیگر از گرایش‌های نوین می‌توان این بحث را مطرح کرد که حقوق فضای مجازی به عنوان یک گرایش مستقل وجود ندارد؛ بلکه تنها درسی در رشته حقوق است که مباحث حقوقی مرتبط با فضای مجازی در آن مطرح می‌شود. این طرز تلقی، دارای این امتیاز مهم است که از انشقاق علم حقوق و در نتیجه پیچیدگی بدون دلیل آن جلوگیری می‌کند. به علاوه نشان می‌دهد که قواعد عمومی حقوق در مورد گرایش‌های جدید اجرا می‌شود و خصوصیت‌های متفاوت این گرایش‌ها، تنها به عنوان استثناء مورد توجه قرار می‌گیرد. این تعصب نسبت به قواعد حقوقی تا اندازه زیادی بیهوده است. به علاوه اگر قرار باشد مسائلی که ایجاد، پیشرفت و فراگیر شدن فضای مجازی در جامعه موجب آنها شده، به طور مستقل بررسی شود، لازم است نام و عنوانی به آن اطلاق شود. به هر حال انتقال روابط اجتماعی به فضای مجازی که شکل و تشریفات ویژه خود را دارد، مطالب تخصصی متناسب با آن را می‌طلبد. هیچ‌کس منکر این نیست که قواعد حقوقی حاکم بر فضای مجازی، جز در موارد استثنایی، همان قواعدی است که بر سایر روابط حاکم است، اما یکسانی قواعد حاکم بر دو گرایش، هرگز این معنا را نمی‌دهد که باید یکی از این دو حذف شده یا نام واحدی بر آن اطلاق گردد (۱).

باید پذیرفت اگر حقوق همپای نیازهای زمان پیش رود و در تصمیم‌گیری‌های کلان یا تخصصی، به دلیل سکوت یا عقب‌ماندگی، کنار گذاشته نشود، تخصصی شدن آن و پرداختن به تمام مسائل مرتبط با جامعه ضرورت دارد. فضای مجازی که عنوان آن کنایه از یک دنیا یا فضای متفاوت با عرصه مادی دارد، فنون و شگردهای مخصوص خود را دارد و برای شناختن این فضا و قاعده‌مند کردن آن، باید به همان فنونی مسلح شود که در آن مجری و هر روز در حال تحول و پیچیده‌تر شدن است.

با توجه به دیدگاه‌های مختلف می‌توان گفت فضای سایبر، بستری است نامحسوس و مجازی در قالب شبکه‌های بین‌المللی که این شبکه‌ها نیز به واسطه طرق ارتباطی گسترده مثل اینترنت با هم در ارتباطند. در این بستر، هرآنچه که در جهان عینی موجود است، به صورت دیجیتالی وجود دارد که دربرگیرنده صفات و خصوصیات و تصویر همان اشیاء است. هر آنچه که در فضای سایبری وجود دارد، گویای اطلاعات و مشخصات مسائل واقعی است که به حسب اعتبار آن مطلب، مشابه با حقایق خارجی است و می‌تواند راه سهل‌الوصولی باشد برای شناخت آنها. مثلاً هرآنچه که یک شخص می‌خواهد درباره ایران بداند، بدون آنکه نیاز به سفر داشته باشد، به آسانی در فضای سایبر قابل دسترسی است. از این رو، می‌توان گفت: حتی برای هرکسی که در هر کجای جهان است و تمایلی به معرفی خود و ارائه اطلاعات شخصی ندارد، «سایبراسپیس»^۱ دارای خصوصیتی همچون دسترسی آسان با کمترین هزینه و سریع‌ترین حالت ممکنه و بدون حد و مرز و هرگونه تضییقات متداول بین‌المللی، برای انتقال و دریافت داده‌ها و یا هرگونه اطلاعات آگاهی‌بخش، با اقصی نقاط جهان است.

چنانچه در شناخت مسائل از لغت و اصطلاح آن شروع می‌کنند، قابل توجه است که کلمه یونانی سایبر^۲، مفهوم سکان‌دار و راهنما را دارد که این واژه، برگرفته از واژه‌ی «کی برمتیز» است. اصطلاح سایبرنتیک نخستین بار در ۱۹۴۸ در

کتاب «سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین» از ریاضیدانی به نام نوربرت وینر^۳ به کار رفت. امروزه استعمال زیاد اصطلاح فضای سایبری به واسطه تعاملات ضروری بشر امروز با اینترنت و رسانه‌ها، سبب شده که در عین اینکه اکثر مردم شناخت کاملی از ابعاد مختلف آن نداشته باشند و تبعاً ذهنشان از این اصطلاح، منصرف به ابعاد فنی و مکانیکی آن شود. سایبرنتیک به مرور به علمی اطلاق شد که موضوع آن، تحقیق و بررسی مکانیزم‌ها در سیستم‌های رایانه‌ها و ماشین‌هایی است که در تعامل با بشریت هستند. موضوع اصلی سایبرنتیک بررسی ماهیت کنترل در انسان، حیوان و ماشین است و لذا با زیست‌شناسی، روان‌شناسی، مکانیک، مهندسی، مدیریت و بسیاری علوم دیگر همبستگی دارد (۲).

در تعریف دیگری از فضای سایبر می‌توان گفت که درواقع مجموعه‌ای از روابط بین انسان‌هاست که این روابط، در فضای سایبر شکل می‌گیرد. اگرچه انسان‌ها در این روابط، در نقاط مختلف جهان هستند، اما در فضای سایبری، قید مکانی دارای اهمیت نیست. نمونه بسیار متداول آن ارتباط ایمیلی است که با کمترین وسایل و به آسانی در اختیار کاربران جهان است و می‌توانند مکاتبات و مراسلات متنوعی داشته باشند.

در مجموع در تعریف فضای سایبر می‌توان گفت:

«محیطی است مجازی و غیر ملموس، موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی (این شبکه‌ها از طریق شاهراه‌های اطلاعاتی مثل اینترنت بهم وصل هستند) که در این محیط تمام اطلاعات راجع به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و به‌طورکلی هر آنچه در کره خاکی به صورت فیزیکی و ملموس وجود دارد (به صورت نوشته، تصویر، صوت، اسناد) در یک فضای مجازی به شکل دیجیتالی وجود داشته و قابل استفاده و دسترس استفاده‌کنندگان و کاربران می‌باشند و با رایانه، اجزاء آن و شبکه‌های بین‌المللی بهم مرتبط می‌باشد»^۴.

3. Norbert Wiener

۴. به‌طورکلی برای وارد شدن به فضاهای مجازی نظیر اینترنت، نیاز به تجهیزات داریم این تجهیزات عبارتند از کامپیوتر modem در دسترس داشتن فضا یا شبکه‌های مجازی بین‌المللی و سرانجام، وصل بودن به شبکه یا فضای بین‌المللی (online) بنابراین برای آنکه شخص (کاربر) وارد سایبر از طریق شبکه اینترنتی شود باید پس از فراهم نمودن تجهیزات اولیه ←

1. Cyber Space

2. Cybermetes

نمودن خدمات عمومی، افزایش کارایی مدیریتی و ارتقای ارزش‌ها و مکانیزم‌های دموکراتیک تعریف نمود. به همین منوال، ایجاد چهارچوب‌های نظارتی که تسهیل‌کننده ارائه اطلاعات به جامعه و ایجاد دانش هستند، در تعریف دولت الکترونیک جای می‌گیرند. تعریف دولت الکترونیک بسیار گسترده است چرا که خود دولت‌ها نقش‌های متعدد و متنوعی دارند. با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به این روش، دولت‌ها در پی ارتقای کیفیت خدمات خود و کاهش هزینه‌های ارائه خدمات هستند. از دیگر اهداف دولت الکترونیک می‌توان به بهینه‌سازی استفاده از منابع کمیاب، ارتقای پاسخگویی و شفافیت امور دولتی، توسعه بازارها و احیای اعتماد و باور مردم به دولت اشاره نمود (۳).

جریان داشتن اطلاعات و مدیریت روزانه خدمات دولتی به جهت حکمرانی مؤثر، ضروری است. وظایف و امور دولتی وابستگی بسیار زیادی به اطلاعات دارند. محصول و نتیجه خدمات بسیاری از بخش‌های دولتی مشتمل بر تولید و انتقال اطلاعات است. تمامی وجوه زندگی عمومی یک فرد در جامعه به نوعی وابسته به اطلاعات است. پرداخت مالیات، تمدید گواهی‌نامه‌ها و مجوزهای مختلف، ثبت تولد و وفات، ازدواج، خرید زمین و مواردی از این دست مستلزم ایجاد اطلاعاتی است که توسط دولت‌ها جمع‌آوری، پردازش، ذخیره، منتقل و تحلیل می‌شوند (۴). تمامی اطلاعات مذکور به عنوان عناصر لاینفک دولت‌ها به جهت حکمرانی، مدیریت منابع و ارائه خدمات ضروری هستند. اطلاعات مذکور ارائه‌دهنده دانشی به عموم مردم است که مشتمل بر دولت، جامعه، اقتصاد، گذشته، حال و آینده می‌شود. این اطلاعات به مثابه وسیله‌ای برای تضمین پاسخگویی دولت، مدیریت عملکردهای دولتی، حفظ کارکرد سالم اقتصاد و مواردی از این دست است (۵).

در کل، کانون توجه اندیشمندان در تعریف دولت الکترونیک بر دو محور بنا نهاد شده است. اول آنکه دولت از فناوری اطلاعات در راستای ارائه خدمات و اطلاعات بخش عمومی بهره می‌برد و دیگر آنکه در این طریق شاهد کاهش شکاف میان مدیریت بخش دولتی و شهروندان و افزایش میزان دسترسی شهروندان به خدمات دولتی خواهیم بود (۶).

انسان قرن بیست و یکم با پیشرفت برق‌آسای خود در تکنولوژی و نوآوری، اموری را محقق ساخت که حتی تا چند دهه اخیر فقط در تخیل و ذهن جای داشتند. در میان تمام آنها، تکنولوژی «سایبر اسپیس»، پدیده‌ای بود که اغلب شئون و ابعاد بشری در روابط با یکدیگر را تحت تأثیر خود قرار داده و این در حالیست کمتر اختراع و اکتشافی توانسته بشر را به این وسعت و عمق، درگیر خود کند. آنچه پیداست، زوال‌ناپذیری این تکنولوژی است که خاصه در روابط حقوقی و کیفری در حال تأثیرگذاری و دگرگون‌سازی روابط اجتماعی است.

۲- دولت الکترونیک

دولت الکترونیک عبارت است از «به‌کارگیری فناوری اطلاعات برای رشد دولت‌ها». براساس این تعریف دولت الکترونیکی به «کاربرد فناوری اطلاعات در بخش‌های مختلف دولت به منظور افزایش بهره‌وری و ارتقا سطح خدمات‌رسانی» نیز گفته می‌شود. مهم‌ترین نتیجه این اقدام دولت‌ها، افزایش رضایت شهروندان و بهبود سیستم‌های خدمات‌رسانی و پاسخگویی به مردم می‌باشد. همچنین به واسطه دولت الکترونیکی، شفاف‌سازی سیاست‌ها و تصمیم‌های رهبران حکومت که از اصلی‌ترین مؤلفه‌های حکومت‌گری خوب شناخته می‌شوند بیشتر شده و ارکان جامعه با همدیگر مرتبط خواهند بود. دولت الکترونیک همچنین با ساده‌سازی و بهینه کردن برخی خدمات از طریق تسهیل مراحل لازم به ساده‌سازی فرآیندهای دولت کمک کرده که این موضوع به نوبه خود باعث تغییر مفهوم حکومت‌داری و تغییر در سطوح ارتباطی میان دولت و شهروندان و نیز شفاف‌تر شدن هرچه بیشتر این ارتباط می‌گردد. برای حکومت کردن در فضای جامعه اطلاعاتی عصر حاضر و مدیریت آن نیاز به خلق دولت الکترونیک است و نمی‌توان با ساخت و فرایند سنتی دولت جامعه اطلاعاتی را مدیریت کرد.

دولت الکترونیک را می‌توان به صورت استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دولت به جهت فراهم

→ (کامپیوتر، مودم، خطوط مخابراتی) به شبکه وصل شده (Online) و پس از آن آدرس و سایت مورد نظر را انتخاب و با توجه به نوع موضوع و هدف خود به بررسی و یا اقدامات در آن پردازد.

بنابراین در کل دولت الکترونیک کارگزاران بخش عمومی را قادر می‌سازد تا از طریق فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت، خدمات و اطلاعات عمومی را در تمام مواقع تقاضا کنند و در دسترس آنها قرار دهند.

۳- حکمرانی الکترونیک^۱

از جمله مصادیق حکمرانی مطلوب در جهان حاضر استفاده از روش‌های الکترونیک برای حکمرانی است. قبل از پرداختن به مفهوم چالشی حکمرانی مطلوب، ابتدا برای تفاوت گذاشتن میان حکمرانی و حکومت، می‌توان گفت: مفهوم حکمرانی عبارت است از نحوه مراد و تعامل میان حاکمیت یا دولت با نهادهای اجتماعی و بالتبع نحوه ارتباط و تأثیرگذاری آن نهادها با جامعه در تصمیم‌گیری‌هایشان. به عبارت دیگر حکمرانی همان چگونگی اتخاذ تصمیم جوامع و سازمان‌هاست که توسط دولت، بخش خصوصی و فعالان مدنی تحقق می‌یابد. از این رو می‌توان میان مفهوم حکمرانی^۲ و حکومت^۳ قائل به تفاوت شد، اما از دیگر تعاریف رسمی بین‌المللی درباره حکمرانی مطلوب می‌توان به تعریف توسعه سازمان ملل^۴ اشاره نمود که آن را سازوکارها، فرآیندها و ساختارهایی می‌داند که آحاد جامعه، تشکلهای و سازمان‌های مدنی در پی احقاق حقوق خود و ایفای تعهدات خویش و متعادل‌سازی نوسانات و تفاوت‌ها از آن بهره می‌جویند. نقش جامعه مدنی در این میان پررنگ‌تر است (۱).

تعاریف متعددی برای حکمرانی الکترونیک ارائه شده‌اند. قبل از ارائه تعریف حکمرانی الکترونیک، نیازمند تبیین رابطه بین حکمرانی، دموکراسی الکترونیک^۵ و دولت الکترونیک^۶ هستیم. دموکراسی الکترونیک به معنای فرآیندها و ساختارهایی است که مشتمل بر تمامی اشکال تعاملات الکترونیک بین دولت (طرف منتخب) و شهروندان (طرف انتخاب‌کننده) می‌باشد. دولت الکترونیک بخشی الکترونیک در ساختار دولت است و به فرآیندها و ساختارهایی اطلاق می‌شود که به جهت ارائه خدمات الکترونیک به عموم مردم

(شهروندان و بخش تجاری)، همکاری با شرکای تجاری و انجام تعاملات الکترونیک درون سازمانی ضروری هستند. حکمرانی الکترونیک به معنای استفاده از ابزارهای الکترونیک در (۱) تعاملات بین دولت/ شهروندان و دولت/ بخش تجاری و (۲) در تعاملات داخلی و درون سازمانی دولت است که به جهت تسهیل و بهبود وجوه دموکراتیک، اجرایی و تجاری حکمرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند (۷).

فرآیند تحول اجتماعی منجر به ایجاد فرصت‌های جدید برای مشارکت‌های سیاسی مدنی در جوامع معاصر شده‌اند که در راه جامعه اطلاعاتی پسامدرن گام برمی‌دارند. توسعه سریع و انتشار فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات جدید (حقوق فناوری اطلاعات)، باعث به وجود آمدن نهادهای سیاسی متفاوت با ابزارها، کانال‌ها و روش‌های جدید شده‌اند که می‌توانند به جهت تبدیل سیستم‌های دموکراسی بسته به موارد گسترده‌تر مورد استفاده قرار بگیرند ضمن اینکه تسهیل‌کننده اشکال جدید فعالیت‌های سیاسی مدنی هم هستند. در نتیجه، فناوری‌های مرتبط با رایانه دارای نقش بسیار مهمی در فرآیند فرمول‌بندی جدید و تعریف مجدد دموکراسی‌های لیبرال مدرن هستند.

از دیدگاه سیستم‌های حکومتی ارتباطی^۷، مجموعه‌ای از مفاهیم جدید و راه‌حل‌های عملی را می‌توان با انواع مختلف مشارکت‌های الکترونیک در جوامع مدرن معرفی نمود و این مسأله یکی از قابلیت‌های بالقوه سیستم فناوری اطلاعات است. یکی از مفاهیم اصلی حکومت سیاسی فراگیر این است که شهروندان باید به نوعی با رژیم سیاسی در ارتباط باشند. بحث‌ها در مورد حکمرانی الکترونیک دموکراتیک ریشه در تئوری‌های اولیه دموکراسی مشارکتی و دموکراسی الکترونیک دارد که با انقلاب اینترنتی، به تدریج از اقدامات گروه‌های کوچک دانشگاهیان و فعالان سیاسی به اقدامات سیاسی سطح بالا تسری یافته است. در عین حال، توسعه اشکال جدید حکمرانی و پدیده جهانی شدن باعث شده است که دموکراسی به عنوان یک مسأله مهجور نگریده شود و شرایطی به وجود بیاید که اغلب از آن با عنوان «کمبود دموکراسی» یاد می‌شود.

1. E-governance

2. Governance

3. Government

4. UNDP

5. E-Democracy

6. E-Government

7. Communicative Governance Systems

است که با جریان آزاد اطلاعات و ایده‌ها به عنوان هسته مرکزی دموکراسی و حقوق بشر مرتبط است (۹).

حق دسترسی به اطلاعات در حقوق بشر بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، بیانیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، آزادی بیان و اطلاعات را در ضمن ماده ۱۹ خود تصریح نموده است (۱۰). از این حق به صراحت به عنوان یکی از حقوق بشر یاد شده است در ماده ۱۹/۲ از ICCPR (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) در سال ۱۹۹۶ آمده است: «هر شخصی دارای حق آزادی بیان است. این حق مشتمل بر آزادی در جستجو، دریافت و بیان اطلاعات می‌باشد» (۱۱).

قانون‌گذار ایرانی، حق انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را برای جامعه تصریح نموده و آن را موجب راحتی مراجعان در دریافت اطلاعات لازم برای احقاق حقوق خود و همچنین آن را مؤثر در بهبود مدیریت زمان و نیروی انسانی در ساختار قضایی دانسته است. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ که حاوی حق مذکور است، در عین اهمیت و نویدبخشی آن، دارای کاستی‌هایی همچون؛ عدم تعریف دقیق از مؤسساتی که موضوع این قانون بوده و نیز تحت‌الشمول قرار نگرفتن مؤسسات عمومی غیردولتی و خصوصی که حافظ منافع عمومی هستند، می‌باشد.

آزادی اطلاعات مانند هر قسم از آزادی، شرایط و محدودیت‌هایی دارد. به این معنا که «اصولاً هر نوع اطلاعاتی که دسترسی شهروندان به آن‌ها یا افشای آن‌ها، حمایت از امنیت ملی را تضعیف نماید، باید از دسترس درخواست‌کنندگان اطلاعات دور نگه داشته شود. اطلاعاتی که افشای آن‌ها به امنیت ملی آسیب می‌زند، باید بلافاصله پس از تولید یا کشف، طبقه‌بندی شود. این اطلاعات در صورت طبقه‌بندی، اسرار دولتی نامیده می‌شوند که دسترسی به آن‌ها تنها برای اشخاص خاص، با رعایت آیین خاص و در صورت ضرورت، مجاز است» (۱۲).

تشخیص مصادیق اطلاعات مرتبط با امنیت ملی، بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد، صبغه امنیتی و سیاسی دارد. به همین دلیل، دادرسان در مقام رسیدگی به جرائم علیه

از چشم انداز سیاسی گسترده‌تر، می‌توانیم شاهد همگرایی و تقرب دور جریان متفاوت باشیم: یک سیاست اطلاعاتی به خوبی سازمان‌دهی شده از یک سو و یک سیاست مبتنی بر حکمرانی الکترونیک از سوی دیگر (۸).

بیشتر پروژه‌های دموکراسی الکترونیک که به صورت عملی و تجربی انجام شده‌اند، از زیرساخت‌های ارتباطی مرتبط با رایانه استفاده می‌کنند که در این بین اینترنت دارای کاربردهای گسترده‌ای است. در کل، گفتمان دموکراسی الکترونیک دارای دو اصل زیر بنایی مهم است: دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات عمومی و بحث و مشورت آزاد در شبکه الکترونیک. وبسایت‌های زیادی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را به عنوان نمونه‌ای جامع از دموکراسی الکترونیک سازمان‌یافته و نهادینه‌شده در نظر گرفت که تلاش زیادی در راستای ارتقای مشارکت مدنی شهروندان به شمار می‌روند. بخشی به نام پرتال مشارکت در این وبسایت‌ها وجود دارند که با سیستم پارلمان در ارتباط است و به بیان دیگر، مردم تشویق می‌شوند تا بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی تأثیرگذار باشند. انواع مختلف سرویس‌های مشارکت مدنی در این وبسایت‌ها وجود دارند، اما یکی از کاربرهای دو جانبه خلافت‌انه ایجاد انجمن‌های آن‌لاینی (برخط) است که از خواص تعاملی اینترنت بهره می‌برند. خدمات مشارکتی وب سایت به انتشار اطلاعاتی در مورد مباحث سیاسی می‌پردازند و از این طریق به شهروندان کمک می‌کنند تا در انجمن‌های برخط مباحث معقول و مستدلی ارائه نمایند.

۴- جریان آزاد اطلاعات پیش‌زمینه دستیابی به حکمرانی الکترونیک

مبحث آزادی اطلاعات به صورت تاریخی و صد البته طبیعی به حوزه‌های دیگر از جمله آزادی بیان و عدم وجود سانسور (به هر صورتی و در هر حوزه‌ای) تسری یافته است. از سوی دیگر، می‌توان آن را به صورت حق دسترسی به اطلاعاتی تعریف نمود که در اختیار نهادهای عمومی است. یکی از اصول اساسی آزادی اطلاعات، اصل افشای حداکثری^۱

امنیت ملی باید از نظر کارشناسی مراجع مذکور استفاده کنند و صرفاً بر مبنای یافته‌های حقوقی درباره این جرائم قضاوت نکنند. در اکثر کشورها قوانین و مقررات و رویه‌ها، موارد زیر را مرتبط با امنیت ملی دانسته‌اند:

۱. انتشار مطالبی که برای وحدت و انسجام ملی، تهدید جدی باشد.
۲. انتشار مطالبی که تأثیر زیادی در شورش و ایجاد هرج و مرج داشته باشد.
۳. انتشار مطالبی که به اختلافات قومی و نژادی و عقیدتی منجر شود.
۴. انتشار مطالبی که از نظر مراجع عالی امنیتی ممنوع باشد.
۵. انتشار هرگونه مطالب نظامی و برنامه‌ها و پلن‌های استراتژیک که به ضرر امنیت ملی و نیروی دفاعی کشور باشد.
۶. انتشار مطالبی که مخرب وجهه و شخصیت دولت و منافی با امنیت دولت در موضوع روابط بین‌المللی و مناسباتی سیاسی دولت با هر سازمان بین‌المللی باشد.
۷. انتشار مطالب و مشخصات درباره اماکن و نواحی حساس که از منظر دولت و نهادهای امنیتی مهم است.
۸. انتشار هرگونه مطالب درباره نحوه محافظت از افراد شاخص و امنیت کشور (۱۲).

اما پرسش این است که تحدید دسترسی آزاد به اطلاعات، با توجیه امنیت ملی، بر اساس چه قواعدی تنظیم می‌شود؟ چه اینکه در هر پدیده‌ای امکان افراط و تفریط با سوءنیت محتمل است و دولت‌ها نیز از این مسأله مبری نیستند. نتیجتاً بسیاری از اطلاعاتی را که واقعاً به امنیت ملی مرتبط نیست، به بهانه حمایت از امنیت ملی، از دسترس خارج نمایند. در این راستا گروهی از کارشناسان آزادی بیان و اطلاعات و امنیت ملی در اکتبر ۱۹۹۵ در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی گرد هم آمدند تا معیارها و موازین معتبری را تهیه کنند که با استفاده از آن‌ها بتوان قلمرو مشروع محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان و اطلاعات را در مصاف با حمایت از امنیت ملی مشخص کرد. از آنجایی که این اصول، با هدف ارج نهادن به حق آزادی دسترسی اطلاعات تهیه شده و با توصیف و تبیین

دقیق جایگاه امنیت ملی، استناد به این مفهوم را برای اعمال محدودیت‌ها، ضابطه‌مند و مقید ساخته، مورد توجه و تأیید و استناد و کلاً و قضات و فعالان مدنی قرار گرفته است (۱۲).

همواره کشمکش نظری و مباحثه جدلی میان مدافعان حقوق بشر از یکسو و حکومت‌ها از سوی دیگر بر سر این امر که انتشار برخی اطلاعات به ضرر امنیت ملی است، برقرار است. حکومت‌ها، وجود دشمنان خارجی و داخلی را تهدیدی می‌دانند که بدین علت باید از انتشار مطالب انتقاد برانگیز علیه ارگان‌های امنیتی خودداری کرد. مدافعان حقوق بشر نیز از اخفای مطالب به بهانه امنیت ملی، که دانستن آن حق مردم است، مخالفت می‌ورزند و آن را تهدیدی می‌بینند که از صلح حقیقی دور است. در بیانیه ژوهانسبورگ نیز این تعارض میان دو پدیده امنیت ملی و آزادی بیان اطلاعات پذیرفته شده که درواقع نیز همین‌طور است؛ و بسیار ملموس است که انتشار مواردی از اطلاعات، موجب تهییج خشونت‌آمیز مردم بر علیه حکومت شود، بنابراین تأمین امنیت ملی، جلوگیری از افشای آن را ایجاب نماید. ضرورت ممانعت از افشای اطلاعات علیه منافع امنیت ملی، امری انکارناپذیر است که در بیانیه ژوهانسبورگ نیز پذیرفته شده، لکن اختلافات از اینجا آغاز می‌شود که مرز و حد آن مشخص نیست و تعریف دقیقی از این مفاهیم ارائه نمی‌شود و تشخیص آن همواره مطابق میل و نظر حاکمیت است. از این‌رو چه بسا از انتشار مطالبی خودداری می‌کنند که صرفاً به ضرر خودشان است نه امنیت ملی؛ یعنی این محدودیت که امری عقلانی است تا زمانی محترم است که برای امری والا و مفهومی حیاتی برای جامعه که همان امنیت است، اعمال شود، نه برای حفظ قدرت و پوشاندن مفاسد داخلی. به عبارت دیگر، تحدید حقوق اجتماعی زمانی مشروع است که آن تحدید، برای حیات جامعه ضروری باشد (۱۳). بنابراین در یک جامعه پیشرفته و دموکراتیک قانون‌گذار باید سازوکارهایی تبیین کند که توسل به این محدودیت‌ها، دقیق و روشن باشد و قانونی باشد.

۵- دموکراسی الکترونیک شکل نوین حکمرانی

این مهم یکی از نمادهای مشارکت مردم در تصمیم‌سازی در حوزه قانون‌گذاری محسوب می‌شود که به شکل ضروری از

تلفنی، تلویزیون‌های کابلی، شبکه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای ابزارهایی است که می‌توان از آنها در فرآیند تحقق دموکراسی و در عرصه تقنین استفاده نمود (۱۵).

با توسعه و تحول در فناوری‌های جدید اطلاعات، وضعیت غیرمستقیم نهاد قانون‌گذاری به دلیل قابلیت‌های منحصر به فرد، مانند حضور مجازی، محاوره‌ای بودن، انتقال حجم وسیع اطلاعات، قدرت و سرعت در پردازش داده‌ها، کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته است. به‌طور کلی با توسعه فضای مجازی، شرایط تحقق مادی دموکراسی فراهم شده و شرایط جغرافیایی مانعی برای تجمع و گفتگو محسوب نمی‌شود. از دیدگاه نظری، توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی انسان را قادر ساخته با شرایط بهتری برای دستیابی به دموکراسی فراهم نماید. بیشتر عوامل ذکرشده شرایط دشوار تحقق نظام پارلمانی را هم از جهت عوامل مادی مرتبط با رأی‌گیری و هم از نظر تحقق واقعی نمایندگی افکار عمومی مردم و هم از منظر تضمین سلامت این نهاد فراهم ساخته است. در حال حاضر دولت‌ها و جوامع برخلاف، به صورت گروه‌های خاص و دارای علایق مشخص، بدون موانع جغرافیایی اقدام به تبادل اطلاعات و قانون‌گذاری می‌کنند و هر نوع فعالیت اجتماعی و سیاسی در شبکه‌های مجازی برای آنها ممکن و میسر است. نهادهای دولت غیردموکراتیک با جریان آزاد اطلاعات تهدید می‌شوند و این مسأله از جمله مشکلات آنها محسوب می‌شود. چالش اصلی آنجاست که به صرف تحقق شرایط مناسب فنی و اطلاعاتی، این دولت‌ها نمی‌توانند به آثار مطلوب سیاسی گذر نمایند. علاوه بر این در این کشورها، پایداری عقاید منسوخ شده و کهنه، مقاومت نهاد و اختیارات دولت‌مردان از عوامل بازدارنده‌ای محسوب می‌شوند که در توسعه قانون‌گذاری در فضای مجازی به عنوان مانع محسوب می‌شوند.

مدل‌های دموکراسی الکترونیک همواره موضوع بحث‌های بسیاری بوده‌اند. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد سازمان توسعه همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نسبت به مشخص نمودن سه نوع از تعاملات دموکراسی الکترونیک (مشمول بر اطلاعات، مشاوره و مشارکت) اقدام نموده است. به همین منوال کلمن و گوئز به ارائه یک مدل چهار سناریویی اقدام

طریق نظام نمایندگی، یعنی ایجاد واسطه برای قانون‌گذاری شکل گرفته است. افزایش جمعیت، ضرورت سرعت در وضع قوانین و دستگاه منظم بورکراسی وجود پارلمان را امری ضروری ساخته است. این شکل از دموکراسی که به دموکراسی آگورایی یا یونانی معروف است تنها پیش از این رایج بوده و امروزه از طریق فضای مجازی مجدداً حیات خود را به دست آورده است (۸).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 2003) به معرفی سه عنصر اصلی دموکراسی الکترونیک پرداخته است: اطلاعات، مشاوره و مشارکت. اطلاعات یک رابطه یک طرفه است که در آن دولت نسبت به تولید و توزیع اطلاعات در بین شهروندان اقدام می‌کند. وب‌سایت‌ها و خبرنامه‌های دولتی از جمله کانال‌های توزیع این اطلاعات به شمار می‌روند. مشاوره به معنای یک رابطه دو طرفه محدود است که در آن شهروندان نسبت به ارائه بازخورد به دولت اقدام می‌کنند. برگزاری نظرسنجی‌های آن‌لاین نمونه‌ای از روش‌های دریافت بازخورد از شهروندان است. از آنجایی که نظرسنجی محدود به موضوعات خاص است و امکان بحث و تبادل نظر وجود ندارد، رابطه به صورت رابطه دو سویه محدود، توصیف شده است. مشارکت مبتنی بر ایجاد یک رابطه قوی‌تر بین دولت و مردم است. در این نوع از رابطه شهروندان به صورت فعال در فرآیند سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات به موجب شرکت در فرم‌ها و بحث‌های آن‌لاین مشارکت می‌کنند (۱۴). امروزه حتی سیاستمداران در حوزه انتخابات فناوری و گسترش آن را از جمله ابزارهای موجود و مهم و سرنوشت‌ساز در دولت خود معرفی می‌کنند. برای مثال در آمریکا رأس پروت، در رقابت انتخاباتی، تالار شهر الکترونیکی را به عنوان سیستم مشارکت شهروندان معرفی کرد. روشی که به موجب آن دموکراسی مستقیم از حالت یک آرمان و آرزو به واقعیت نزدیک خواهد شد. همچنین در مواقعی می‌توان از پاسخ‌های مردمی در فرآیند قانون‌گذاری بهره جست. بدین معنا که پاسخ‌های مردمی که از طریق فشار دکمه تلفن صورت می‌گیرد را تجزیه و تحلیل و برای اقدامات بعدی به مجلس ارسال نمود. به‌طور کلی استفاده از تأسیسات ماهواره‌ای، بانک‌های اطلاعاتی

نموده‌اند. در سناریوی اول فناوری از دموکراسی (مردم سالاری) مستقیم حمایت می‌کند. سناریوی دوم مشتمل بر جوامع مدنی برخط هدف است. سناریوی سوم دربرگیرنده مطالعات و نظرسنجی‌های آن‌لاین می‌شود و در نهایت سناریوی چهارم به فناوری به عنوان راهی برای جذب شهروندان در مشاوره‌های سیاسی می‌نگرد (۱۴).

گارتner دیتاکوئست نسبت به تدوین یک مدل چهار مرحله‌ای دموکراسی الکترونیک اقدام نموده است. در مرحله اول (حضور)، یک سایت اینترنتی نسبت به ارائه اطلاعات به صورت ایستا و ثابت اقدام می‌نماید. در مرحله دوم (تعامل) شهروندان نسبت به جستجوی اطلاعات اقدام نموده، فرم‌ها را دانلود نموده و یا از طریق لینک‌های مرتبط به صفحات دیگر متصل می‌شوند. در مرحله سوم (تراکنش) مرحله دوم به واسطه صدور کد رهگیری و یا مواردی از این دست تکمیل می‌شود و نیازی به ارسال ایمیل تأیید و یا مراجعه حضوری به ادارات دولتی نیست. مرحله چهارم (ترادیسی) سایت‌ها را قادر می‌سازد اطلاعات دولت را به شهروندان منتقل کنند و ابزارهای مدیریت ارتباط با مشتری (شهروندان) را تقویت نمایند. طراحی مجدد فرایندها و جریان‌های اداری جزء اصول لاینفک این مرحله می‌باشد (۱۶).

یکی دیگر از مباحث مهم در حوزه دموکراسی الکترونیک بررسی مدل‌های این مفهوم است که توسط سوبه‌اش باتناگار انجام شده است. به باور وی برخط شدن بخش‌های مختلف دستگاه‌های اداری و سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات عمومی، نخستین مرحله از ارائه برخط این خدمات می‌باشد که در دولت‌های پیشین به صورت دستی بوده و از رایانه در این امر استفاده نمی‌شده است. در این مرحله تعامل شهروندان با اپراتورهای بخش خصوصی و اداری اتفاق می‌افتد؛ بدین شکل که شهروندان مجاز به دریافت اطلاعات از سوی مجرای برخط در دستگاه‌های اداری می‌شوند.

مدل دیگر ارائه خدمات دولتی مختلف در اماکن عمومی است که مراکز ارائه‌کننده خدمات اینترنتی اقدام به این می‌کنند. مدل ذکرشده در کشورهایی که دستیابی به اینترنت با محدودیت‌هایی روبه‌روست در حال اعمال می‌باشد. از این رو

می‌توان به خدماتی نظیر پرداخت‌ها و ارائه اسناد و گواهی‌ها توسط مراکز یادشده اشاره نمود (۱۷).

اما سومین مدل مطرح‌شده توسط باتناگار مدل سلف سرویس است که به موجب آن به منظور ارائه خدمات مختلف این سیستم طراحی و نصب شده و آن را برای شهروندان مناسب و در دسترس جلوه می‌دهد تا بر اساس یک روند مطمئن خدمات اینترنتی را دریافت نمایند. چنین روشی موجب بهبود و افزایش توانایی شهروندان در استفاده از خدمات عمومی شده و نفوذ اینترنت را در زندگی آنها میسر می‌سازد.

اما ضعف مدل مطرح‌شده توسط باتناگار این است که تنها به سرویس‌های مرتبط با خدمات عمومی نظر داشته و ربطی به مؤلفه‌های دولت دموکراتیک ندارند. باید بحث را در مورد مدل‌هایی مطرح نمود که فراتر از خدمات عمومی که توسط بخش دولتی یا خصوصی ارائه می‌شوند نظر داشته باشد و عرصه قابل قبول‌تری را در حوزه دولت الکترونیک مطرح نمایند. مدل مطرح‌شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا کارایی بیشتری را نسبت به این مدل دارد. در مدل مزبور، ارائه نمودن خدمات به صورت یک‌جانبه اطلاعات دیجیتال، تعامل دو سویه‌ای را بین شهروند و دولت به وجود آورده و طی آن شهروند فرصت و مجال ارائه اطلاعات در مورد پیامدها و نتایج عمل خود را به دست می‌آورد. در نهایت یک رابطه بین شهروند و دولت به صورت فعال در حوزه مشارکت حاصل می‌شود.

مدل مزبور این امتیاز را دارد که شهروند بتواند فرصت اظهار نظر و بروز را در عرصه اجتماعی داشته باشد و بدین صورت بازخوردهایی را که در مورد مسائل و موضوعات سیاست‌گذاری عمومی مطرح می‌شود فراهم داشته باشد، اما سازوکاری که شهروندان بتوانند در سیاست‌گذاری عمومی مشارکت نمایند ارائه نشده است و این نقطه ضعف این مدل است. به صورت دقیق و شفاف معلوم نیست که چگونه شهروندان این توان را دارند که دولت الکترونیک با ایجاد ارتباط با دیوان‌سالاران و کارشناسان حوزه اداری در سیاست‌سازی و اعمال آن مشارکت نمایند (۱۸).

مدل دیگر مدل مؤسسه دولت الکترونیک است که شامل چهار مرحله مستقل و مجزا می‌باشد. در اولین گام تأثیرگذاری در درجه پایینی قرار دارد که منفعلانه و نامتقارن و یک جانبه خوانده می‌شود. کاربر توانایی جستجو در اطلاعات را داراست و می‌توان با مشاهده پایگاه‌های اینترنتی نیاز خود را مرتفع نماید و وضع قانون از این طریق قابل انجام است. دومین مرحله از درجه التزام بالایی برخوردار است، اما میزان اثربخشی آن پایین می‌باشد. اخذ نمودن آراء به روز از طریق ایمیل، اعمال پیمایش‌های به‌روز، پیام‌های الکترونیک و ... در رأی‌گیری به وضوح مشخص‌اند. مرحله سوم که مرحله مشارکتی و هم‌کنشی نام دارد، مرحله‌ای است که در آن نفوذ بالا، اما التزام پایین است. در این مرحله پایش پویای اخبار، رسانه‌های دیجیتال و ... مشاهده می‌شود. در مرحله چهارم، اما اثرگذاری و التزام هر دو در سطح بالایی قرار دارند که مرحله هم‌کنشی و استراتژیک نامیده می‌شود. در این مرحله دادخواست‌ها و مشاوره‌های الکترونیک، سیاست‌گذاری، شفافیت و دیپلماسی مشاهده می‌گردد (۸).

۶- حمایت از حریم خصوصی و داده‌ها در فضای مجازی

اولین چالش در این حوزه، به تعریف و شناخت مفهوم ذکرشده یعنی حریم خصوصی مربوط می‌شود. حریم خصوصی علی‌رغم تعاملات روزمره بشریت با یکدیگر و ارتباط گسترده این مفهوم در روابط اجتماعی، یک مفهوم سطحی و پیش پا افتاده نبوده و دارای ساحتی عمیق و مرتبط با ابعاد جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی است. تعیین محدوده حریم خصوصی و اهمیت این محدوده، در تعاریف مختلف است.

توانایی افراد و گروه‌ها به جهت متوقف نمودن استفاده از اطلاعاتشان توسط افرادی که مورد تأییدشان نمی‌باشند، به عنوان حریم خصوصی در دنیای مجازی تعریف شده است. حریم خصوصی یکی از مواردی است که تا وقتی نقض نشود اهمیتش برای افراد مشخص نمی‌شود. پایگاه‌های داده‌ای، دارای رخنه‌ها و حفره‌های نشت اطلاعات هستند و افراد سودجو همواره به دنبال راههایی به جهت استفاده از این اطلاعات بر علیه افراد و یا در راستای منافع اقتصادی خود می‌باشند (۱۹).

از دیدگاه دکترین نیز، از حریم خصوصی، تعاریف متفاوتی ارائه شده است؛ برای مثال، ساموئل وارون و لوییس براندیس، به‌عنوان اولین مطرح‌کنندگان حریم خصوصی، معتقدند که این مفهوم به معنای حق تنها بودن افراد تعریف می‌شود. حریم خصوصی از دیدگاه آنان، ازجمله ارجمندترین حقوق در حکومت مردم‌سالارانه است و در قانون اساسی کشورهای گوناگون، باید از آن حمایت کنند. ادوارد بلوشتین، حریم خصوصی را علاقه به شخصیت انسانی می‌داند و معتقد است که حریم خصوصی، از شخصیت محترم شمرده شده، استقلال فردی، منزلت و استحکام شخصیت حمایت می‌کند. توماس کولی نخستین کسی است که حریم خصوصی را «حق نسبت به تنها ماندن»^۱ تعریف می‌کند. وی برای حریم خصوصی، چهار مبنای «خلوت و تنهایی»^۲، «صمیمیت و الفت»^۳، «ناشناس ماندن»^۴ و «خویش‌داری»^۵ را در نظر می‌گیرد (۲۰). روت گویسن، با در نظر گرفتن سه عنصر مرتبط، اما مستقل «محرمانه بودن»، «ناشناس ماندن» (بی‌نامی) و «تنهایی و خلوت»، معتقد است حریم خصوصی فرد، زمانی نقض می‌شود که امکان دستیابی اشخاص به اطلاعاتی دربارهٔ او و تحت نظر واقع شدن او وجود داشته باشد (۲۰).

مدافعان برداشت‌های توصیفی، معتقدند که در عمل و درواقع، چه چیزهایی حریم خصوصی شناخته می‌شوند و در نقطهٔ مقابل، برداشت‌های دستوری قرار دارند که از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آن صحبت می‌کنند. برخی به وسیله متوسل شده‌اند و دیگران به هدف، برخی بر حریم خصوصی به‌عنوان حق مستقل، تأکید کرده‌اند و دسته‌ای معتقدند که حق مستقلی به نام حریم خصوصی وجود ندارد (۲۰)؛ ازاین‌رو، می‌توان دیدگاه اندیشمندان حریم خصوصی را به وضوح شناخت که به هنگام تعریف حریم خصوصی، آن را مفهومی مبهم و شکننده، متلون و متغیر و دارای مشکلات جدی می‌دانند. حق بر حریم خصوصی،

1. Solitude
2. Intimacy
3. Anonymacy
4. Reserve
5. Secrecy

موضوع بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای نیز هست. از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰)، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (۲۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۲۲) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۲۳).

برای ارائه تعریف از حریم خصوصی، کار تا اندازه‌ای دشوار است، اما یکی از حقوق‌دانان، دو ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول حریم خصوصی در نظر گرفته است: (۱) ضابطه نوعی که براساس آن، برخی از جنبه‌های زندگی انسان، نوعاً یا ذاتاً حریم خصوصی آن‌ها محسوب می‌شود؛ (۲) ضابطه شخصی که به موجب آن، انسان‌ها می‌توانند برخی از جنبه‌های حیات خود را نوعاً یا عرفاً از شمول حریم خصوصی خارج بدانند. بنابراین، در تعریف حریم خصوصی، با لحاظ کردن این ضابطه می‌توان گفت:

«قلمرویی از زندگی هر فرد است که فرد نوعاً یا عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی، به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند، یا به آن قلمرو وارد نشوند، یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند و یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهد» (۱۸).

۷- رویکرد حکمران الکترونیک نسبت به قانون‌گذاری

در رابطه با حریم خصوصی

همچنین یکی دیگر از موضوع‌های بسیار مهم در خصوص قانون‌گذاری در حوزه حرمانگی اطلاعاتی و ارتباطات الکترونیک افراد، عبارت است از قانون‌گذاری و ضابطه‌مند کردن شیوه جمع‌آوری و همچنین استفاده از داده‌های شخصی و مسأله پردازش آنها. امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی مدرن، برای پردازش داده‌ها رعایت ضوابط و شرایط خاصی ضروری است که قانون‌گذار باید بدان عمل نماید. بر این اساس داده‌های خصوصی افراد منوط به وجود شرایطی از سوی مقنن شده است. اولین شرط رضایت شخصی می‌باشد. این یک شرط مثبت و ایجابی است؛ از این‌رو سکوت دلالت بر رضایت وی نمی‌باشد و صرفاً یک اقدام مثبت رضایت شخص تلقی می‌شود، از قبیل تیک‌زدن قسمتی از پرسشنامه یا صفحه وب که عبارت موافقم را در آن درج نموده است.

به علاوه پردازش باید به عنوان تعهدی قانونی ضابطه‌مند تلقی شود. هر زمان یک واحد عمومی یا خصوصی یا دولتی در راستای ایفای تعهدات قانونی که به عهده دارد، ناچار از پردازش داده‌های خصوصی افراد باشد، به دلیل آنکه این اقدام جزو وظایف ذاتاً در صلاحیت وی و قانونی آن واحد به شمار می‌رود، مسئولیتی متوجه وی نبوده و در این شرایط و اوضاع و احوال رضایت شخص موضوع داده به شرط آنکه پردازش داده‌ها صرفاً در چارچوب وظایف قانونی وی صورت گیرد ضرورت نمی‌باشد (۲۴).

۷-۱- حمایت از داده‌ها: داده پیام^۱ رایانه‌ای یکی از بنیادی‌ترین و ارزشمندترین مسأله مرتبط با تکنولوژی رایانه است (۲۵). در قانون تجارت الکترونیکی فصل دوم را به نقض داده پیام‌های شخصی اختصاصی داده است مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ این قانون در مقام جرم‌انگاری نقض حرمانگی برآمده است. ماده ۷۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی شرایط مقرر در مواد ۵۸ و ۵۹ قانون فوق را نقض کند. مجرم محسوب و به یک تا سه سال محکوم می‌شود».

در ماده ۵۸ بیان می‌کند:

«ذخیره پردازش و یا توزیع داده پیام‌های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و داده پیام‌های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیر قانونی است».

گرچه این مواد اقدام مناسبی جهت حمایت از حرمانگی است، ولی کفایت نمی‌کند و نیاز به حمایت بیشتری از داده حس می‌شود. مثلاً تلاش عمومی و غیرمجاز برای کسب اطلاعات فردی یا خانوادگی به هر طریق ممنوع شود و برای انتشار آن در بستر مبادلات الکترونیکی مجازات جداگانه تعیین شود. در این راستا برای نمونه ماده ۵۸ قانون تجارت

۱. طبق ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی ایران «داده پیام» (Data Message) هر نمادی از واقعه اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

الکترونیکی تنها از برخی از اطلاعات فردی حمایت نموده است، در حالی که حمایت از همه اطلاعات فرد توسط قانون مورد نیاز است. امروزه به بهانه‌های مختلف همچون حفظ امنیت، نظارت بر ترافیک و ... توسط ارگان‌های گوناگون در شهرها، جاده‌ها و ... دوربین نصب می‌شود که این امر باعث می‌شود تا محرمانگی اشخاص مورد تهدید قرار بگیرد. بنابراین شایسته است که قانون‌گذار شرایط و ضوابط نصب این دوربین‌ها را به صورت کاملاً شفاف مشخص نماید. نقض حریم خصوصی داده‌ها در معنی موسع شامل دستیابی غیر مجاز، شنود غیر مجاز و ایجاد اختلال در داده‌ها نیز می‌شود.

۲-۷- رویکرد قانون‌گذار نسبت به داده: پردازش باید

به عنوان یک تعهد قانونی تلقی شود. گاه در اجرای یک قرارداد و توافقی که میان شخص موضوع سوژه و واحد پردازش‌گر داده‌های شخصی یا به جهت انجام اقدامات اولیه در جهت انعقاد قرارداد و بنا به درخواست شخص موضوع داده، پردازش داده‌های مربوط به شخص مزبور لازم و ضروری است (۲۶).

همچنین پردازش باید در راستای منافع مشروع پردازش به کار بسته شود. در چنین شرایطی پردازش در صورتی که به حقوق اساسی یا منافع یا آزادی‌های اشخاص موضوع داده لطمه‌ای وارد نشود مجاز محسوب می‌شود. در حالت عادی شرط منافع مشروع و قانونی مبنای اساسی پردازش داده‌ها را تشکیل داده و صرفاً در مواردی داده‌های خصوصی حساس از قبیل داده‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی اشخاص، باورها و ریشه‌های اخلاقی و نژادی، اعتقادات مذهبی و مانند آن است که رضایت خصوصی در آن لازم و ضروری می‌باشد. همچنین بنای حقوقی پردازش داده‌ها واجد استثنائاتی است که تحصیل و پردازش داده‌های شخصی افراد را بدون داشتن مبنای قانونی امکان‌پذیر می‌شمارد از قبیل تحصیل داده‌های شخصی افرادی که مرتکب جرائم مهمی شده‌اند (۱).

پیش از اختراع رایانه‌ها و امکان ذخیره‌سازی و پردازش داده‌ها در مقیاس وسیع، ثبت مشخصات فردی به وسیله سازمان‌ها و ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی، مادام که از نظر فنی امکان ارتباط و به هم پیوستگی غیرممکن بود، خطر عمده‌ای برای زندگی خصوصی افراد ایجاد نمی‌کرد. اطلاعات

بدخط و شتاب‌زده کاغذی، محبوس در محل‌های پراکنده که به سختی پیدا و بازیافت می‌شد و برای یافتن آنها باید کار فیزیکی انجام می‌گرفت، مجازاً غیرممکن بود که به هم ارتباط و پیوستگی پیدا نمایند، اما در زمان حاضر، اطلاعات به سهولت جمع‌آوری و ارزیابی می‌شوند و در قالب‌های مغناطیسی غیرقابل رویت، ضبط و با صفحات لیزری الکترونیکی خوانده می‌شوند. آن‌ها از طرف پایگاه داده، با گنجایش بسیار وسیع و قابل دسترس در حرکتند و اکنون متاعی بسیار با ارزش‌تر از اسلافشان هستند که به صورت اجزاء مستقل ذخیره و نگهداری می‌شدند. این اطلاعات متنوع و وسیع که مبین شخصیت یک فرد و تمایز او از سایر افراد است، تبعات مهمی برای زندگی هر شهروند خواهد داشت. این تبعات که به صورت مسائل و مشکلاتی جدید در ارتباط با حریم خصوصی اشخاص مطرح است، موضوع بیش از چهل سال بررسی و تحقیق به وسیله کشورهای پیشرفته شده است. قانون حمایت از داده که به تعبیری نسخه الکترونیکی حمایت از حریم خصوصی است، با وجود مشابهت‌ها در موضوع حمایت، مفهومی جدید از حریم خصوصی به دست داده است (۲۶).

بانک‌های اطلاعاتی نوین در عصر جدید فناوری اطلاعات خطری مهم برای آزادی‌های فردی محسوب می‌شوند. شناسه ملی برای شهروندان و ایجاد بانک‌های متمرکز ملی بدون آنکه از یک ساختار قانونی روشن و محکم برخوردار باشند، زمینه‌های سوء استفاده از اطلاعات خصوصی را بنیادی و لاعلاج می‌سازد. در صورتی که اطلاعات به دست آمده، در یک فایل جمع‌آوری شوند آزادی‌های فردی را به صورت جدی با مخاطره مواجه می‌سازند. متمرکز ساختن این اطلاعات فردی، زمینه‌هایی از بروز یک دولت تمامیت خواه است.

در زمینه حمایت از داده نیز قانون‌گذاران ملی و فراملی تلاش‌های زیادی را انجام داده‌اند. برای مثال سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۷۹ رهنمود خود را بر اساس هشت اصل خود برای حمایت از داده ارائه کرده است. این سازمان یک توصیه ساده می‌کند که کشورها یک قانون حمایت از داده خوب را تنظیم و در عمل آن را اجرا نمایند تا

سبب محدودیت بی‌مورد تبادل اطلاعات در پهنه جوامع صنعتی نشود. از این رهنمود شرکت‌های آمریکایی و کانادایی به صورت رسمی حمایت به عمل آوردند. همچنین باید در این حوزه به حمایت‌های انجام شده توسط شورای اروپا اشاره داشت که از سال ۱۹۶۸ میلادی تا به امروز درگیر این مسأله بوده است. در سال ۱۹۷۶ کمیته متخصصان حمایت از داده تأسیس شد. وظیفه اولین این نهاد عبارت از آماده‌سازی کنوانسیون برای حمایت از داده و حریم خصوصی بود. متن این سند بین‌المللی در آوریل ۱۹۸۰ میلادی نهایی و در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱ برای تأیید باز گذاشته شد. این سند در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۵ پس از امضاء پنج کشور به مرحله اجرا درآمد. کنوانسیون بر اساس اصول پایه‌ای حمایت از داده نوشته شده که انتظار می‌رود هر کشور عضو آن را رعایت نماید. از ۱۹۸۱ تا به امروز کمیته متخصصان حمایت از داده، تهیه قواعد مربوط با صنعت و تجارت راجع به حمایت از داده را در دست اقدام دارد (۲۷).

اقدامات سازمان ملل متحد نیز در این زمینه قابل تأمل به نظر می‌رسند. سازمان ملل با توجه به پیشرفت‌های اخیر در حوزه فناوری اطلاعات تنها از دیدگاه حقوق بشر به آن توجه کرده است. در ۱۹۸۹ مجمع عمومی کمیسیون حقوق بشر مجموعه پیش‌نویسی را به عنوان رهنمودهایی برای قانون‌گذاری فایل‌های داده شخصی رایانه‌ای تصویب نمود. بخشی از این رهنمود نسخه، حداقل ضمانت راجع به اصولی را که کشورها باید در قانون‌گذاری به آن توجه کنند در برگرفته است. این اصول همان‌ها هستند که کنوانسیون شورای اروپا بیان داشته است.

اما در حوزه جوامع اروپایی نیز موضوع قابل بحث است. با وجود سابقه نسبتاً طولانی در عرصه چالش‌های جدید حمایت از داده، پارلمان اروپا و کمیسیون جوامع اروپایی ضرورت انتشار پیشنهاد دستورالعمل را در ۱۹۹۰ درک نمود. این پیشنهاد در تاریخ ۱۹۹۵ میلادی منتشر شد. در ۱۹۷۶ پارلمان اروپا قطعنامه‌ای مبنی بر حداقل حمایت از شهروندان جوامع اروپایی علیه سوءاستفاده یا ناتوانی از پردازش داده و اجتناب از قانون‌گذاری داده و حقوق افراد را تأسیس نمود. در

می ۱۹۷۹ نتایج مباحثات پارلمان اروپا منجر به توصیه‌نامه‌ای شد که حداقل حمایت از داده را برای کشورهای اروپایی ترسیم می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۸۱ کمیسیون اروپا توصیه کرد که همه اعضاء کنوانسیون شورای اروپا و تا ۱۹۸۲ آن را تصویب کنند. تا ۱۹۹۳ تنها ۱۲ کشور در این زمینه قانون‌گذاری کردند. در جولای ۱۹۹۰ میلادی، کمیسیون اروپا دستورالعمل پیشنهادی خود را درخصوص حمایت از داده منتشر نمود. محتوای پیشنهاد در ۱۹۹۵ تحت عنوان دستورالعمل پارلمان اروپایی و شورا راجع به حمایت از اشخاص در خصوص پردازش داده‌های شخصی و گردش آزاد اطلاعات منتشر شد.

نتیجه‌گیری

پس از مطرح شدن فضای مجازی از نیمه‌های قرن گذشته، در سطوح حقوق و دولت نیز تغییر و تحولاتی صورت پذیرفت که از آن جمله می‌توان به تغییر گفتمان و نظم حقوقی حاکم بر این عرصه سخن گفت. درواقع تأثیر گفتمان حقوق و دولت به تأثیر از فضای مجازی بر این عرصه از مهم‌ترین تحولاتی است که باید از آن یاد کرد و اندیشمندان حقوق و علوم سیاسی از آن به «دیجیتالی شدن قواعد حقوقی» یاد کرده‌اند. پس از تغییرات مربوط به جهانی شدن و آثار مثبت و منفی هر دو، از جمله مهم‌ترین تحولات در عرصه دولت می‌توان از تغییر گفتمان نظام جهانی شدن، به تأثیر از فضای سایبر نام برد. در فضای سایبر امکان تحقق بسیاری از چالش‌ها و تحولات برای دولت، بیشتر از جهان مادی و فیزیکی است. چرا که ظهور و بروز آنها به محیطی امن و آرام نیاز دارد. این چالش‌ها نه تنها به فضای مجازی بلکه مربوط به جهان فیزیکی و مادی نیز می‌باشند. یعنی علاوه بر غیرمحسوس بودن فضای سایبر که اسناد و مدارک در آن غیرملموس بوده و عینی نیستند در فضای سایبر ممکن است گونه‌های مختلف مانند خدشه‌دار شدن حقوق بشر، نقض حریم خصوصی و ... ارائه دهد. در این راستا دولت باید علاوه بر به‌روز شدن و استفاده از فناوری‌های جدید در عرصه حکمرانی گفتمان سنتی این مفهوم را به گفتمان جدید آن

پیوند زده و از ابزارهای جدید به بهترین نحو در راستای تحقق حقوق شهروندان و قانونمداری قدم بردارد. چالش‌های موجود اگرچه برای دولت دست و پاگیر بوده و ایجاد مزاحمت می‌نمایند، اما واقعیت روبرویی با چنین فضای همه‌گیری و جهانی شده است. عرصه‌های مختلف ابزاری در دموکراسی‌های مدرن به استفاده از این ابزارها سوق داده شده‌اند و ورود آن را به عنوان یک واقعیت در زندگی سیاسی شهروندان باید پذیرفت. درواقع به نظر می‌رسد، با ورود تکنولوژی و فضای سایبری به روابط تابعان حقوق، عملاً این نیاز ایجاد می‌شود که دولت نیز در مناسبات خود و در راستای اعمال حکمرانی، به تکنولوژی و فضای سایبری متوسل شود. درواقع هدف از حقوق شهروندی و اصول آن، تضمین رفاه و حقوق عامه مردم در تمام مناسبات عمومی و خصوصی می‌باشد. حال چنانچه دولت در راستای اصول و عناصر حقوق شهروندی و حکومت قانون به فضای مجازی و الکترونیک، که تبدیل به قسمت جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده است، اعتنایی نداشته باشد، منطقاً در نیل به هدف اصلی خود یعنی ایجاد رفاه و تضمین حقوق عامه مردم نیز شکست خواهد خورد.

References

1. Sadegi H. Mas'ouliat Madani Dar Ertebatate Electronic. 1th. Tehran: Mizan publication; 2009. P. 33, 38, 141.
2. Kreps D, Richardson H. IS success and failure - the problem of scale; The Political Quarterly. London: Rutledge Publication; 2007. p. 3.
3. Nair M, Kuppusamy M. A longitudinal Study On The Global Digital Divide Problem: Strategies and Policies To Bridge The Digital Divide. Cambridge: The Business Review; 2005; 4 (1): 315-326.
4. Heeks R. Reinventing Government In The Information Age: International Practice In ITenabled Public Sector Reform. London: Routledge Publication; 1999.
5. OMB . OMB Circular A-130: Management of Federal Information Resources. O.o.M.a. Budget. Washington, D.C. Orhin, I. G. 2007.
6. Ya'ghoubi N. Modiriate Dowlati; Seire Andishe Haye Novin. 2th. Tehran: Samt Publication; 2012. p. 177.
7. Backus M. E-Governance and Developing Countries. pp. 2-7 available at <http://www.bibalex.org/Search4Dev/files/288383/119334.pdf>. Accessed May 16, 2019.
8. Mansouri M. Dowlate Electronic Va Chalesh Haye An Dar Nezame Hoghoughie Iran. MA Dissertation. Tehran Iran: Islamic Azad University Bandar Abbas; 2010. p. 29, 37, 28.
9. FREEDOM OF INFORMATION: LAW AND PRACTICE A Comparative Study of Norway and Vietnam, 2010, p. 2. available at: <https://www.duo.uio.no/bitstream/handle/10852/22876/FreedomxofxInfor-mation-LawxandxPractice-AxcomparativexstudyxofxNorwayxandxVietnamxxMasterxinxHR-2010x.5.pdf?se>. Accessed DEC 2020.
10. Universal Declaration of Human Right (UDHR), Article 19.
11. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) (1996), article 19. 2.
12. Ansari B. Azadie Ettela'at. 1th. Tehran: Dadgostar Publication; 2008. p. 164-167.
13. Aghaii 'AA. Azadi Hagh va Amnyat. Sandrn Coliver (Author). Faslnameh Motale'te Rahbordi 2000; 10 (3): 187, 188.
14. Coleman S, John G. Bowling Together: Online Public Engagement in Policy Deliberation. p. 5. available at: <http://www.acteurspublics.com/files/epublic/pdf/scolemans-jgotze-bowling-together.pdf>. Accessed DEC 10, 2020.
15. Mahdavi Z. Virtual Law in the Age of Globalization. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: University of Tehran Center; 2008, p. 104.
16. Janet C. E-Democracy: Putting Down Global Roots; 2004. p. 4. available at: <https://www.304.ibm.com/jct01003c/industries/government/ieg/pdf/e-democracy%20putting%20down%20roots.pdf>. Accessed FEB 19, 2020.
17. Fazli M. Criminal Liability in Cyberspace, Khorsandi Publishing. Tehran: First Edition; 2010. p. 200.
18. Ansari B. Hoghoughie Ertebatate Jam'i. 2th. Tehran: Samt publication; 2008. p. 239, 232, 233.
19. Vanessa G. The Issue of Privacy in the World Today. p. 1. Available at: https://www.pcpd.org.hk/english/news_events/events.../others/.../VanessaGreen.pdf. Accessed JAN 25, 2020
20. Ansari B. Harim khosousi Dar Resane Haye Hamegani. Nashriyeh Pajouhesh Va Sanjesh 2004; 39, 40: 199, 200, 120.
21. Universal Islamic Declaration of Human Rights, 1981.
22. International Covenant on Civil and Political Rights, (ICCPR), 1966.
23. European Convention on Human Rights, 1950.
24. Karroubi M. Ettehadie Europe Va Bahse Hemayat Az DadeH Haye Shakhsi Va Harime Khosousi Dar Ertebatate Electronici. 1th. Tehran: Bogh'e Publication; 2005. p. 207.
25. Lee A B. Data Protection Pursuant The Right To Privacy In Human Rights Treaties. International Journal of law and information of law and information technology 1998; 1: 85.
26. Ziber U. Computer Crimes, Translated by Mohammad Ali Nouri, Reza Nakhjavani, Mostafa Bakhtiarvand, Ahmad Rahimi Moghadam. Tehran: Ganj-e-Danesh Publishing, Second Edition; 2011, p. 226, 235.
27. Babaei Y, Abbasi A. Globalization and Crime. Tehran: Majd Publishing, First Edition; 2011. p. 259.